

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

درس ۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

مقدمه:

چنانچه در مباحث گذشته اشاره کردیم، شیعه تنها به پاس احترام پیشوایان خود و پیشتازان دین خدا و به منظور ابراز محبت بی‌شائبه خود نسبت به آنان، تبرک می‌جویند.

اگر شیعیان به هنگام زیارت حرم پیامبر(ص) و اهل بیت آن حضرت، ضریح را می‌بوسند و یا در و دیوار را لمس می‌کنند، تنهای به جهت بزرگداشت مقام و منزلت آنان و طلب خیر و برکت از خداوند متعال است. در این درس اشاره خواهیم کرد که تبرک، صرفاً در معارف شیعه نبوده و اکثریت فقهای سنت بدان صحه گذاشته و فتوای به آن داده‌اند.

در پایان به برخی شواهد تاریخی، چون تبرک جستن به لباس، سکه، قبر و جنازه‌ی مبارک پیامبر(ص) اشاره خواهیم کرد.

محتوای آموزشی :

تبرک و نظر برخی از فقهای اهل سنت

پیش‌تر گذشت که فقیهان اهل سنت به جواز تبرک فتوا داده‌اند. عبدالله بن حنبل می‌گوید: از پدرم پرسیدم: مردی منبر رسول خدا(ص) را لمس می‌کرد و از آن تبرک می‌جست و منبر شریف را می‌بوسید و همین اعمال را روی قبر پیامبر(ص) برای ثواب انجام می‌داد، آیا این عمل جایز است؟
گفت: اشکالی ندارد.^۱

این روایت در کتاب «الجامع فی العلل و معرفة الرجال» با این فزونی آمده است: این مرد به واسطه این اعمال به خداوند عزّ و جلّ تقرّب می‌جوید؟
احمد بن حنبل در پاسخ گفت: اشکالی ندارد.^۲

ابن العلامی می‌گوید: من نظر احمد بن حنبل را به ابن تیمیه نشان دادم. او از این دیدگاه احمد در شگفت شد و گفت: از احمد تعجب می‌کنم؛ چرا که او نزد من فرد با عظمت است. آیه به راستی این، کلام اوست؟^۳
رملی شافعی نیز درباره تبرک، چنین فتوا داده است: اگر انسان به قبر پیامبر یا ولیّ یا عالمی دست بکشد و یا آن را به قصد تبرک ببوسد اشکال ندارد.^۴

محب‌الدین طبری شافعی می‌گوید: بوسیدن قبر و مس آن جایز است و عمل عالمان و صالحان بر همین منوال بود.^۵

قبور و جنازه‌هایی که مورد تبرک قرار می‌گرفت :

در روایتی آمده است :

شخصی خاک قبر سعد را گرفت بعد از واری کردن، بوی مشک از آن استشمام می‌شد.^۶
عبدالله بن غالب حدانی در سال ۱۸۳ هجری در روز ترویج کشته شد، مردم از خاک قبرش که مانند مشک خوشبو بود می‌گرفتند و در لباسشان می‌گذارند.^۷
احمد بن حنبل امام حنبلی‌ها در سال ۲۴۱ هجری درگذشت، قبر او مشهور و زیارتگاه است و مردم بدان تبرک می‌جویند.^۸

^۱ فیض‌القدیر: ج ۴، ص ۱۴۱۴: سبل الهدی و الرشاد: ج ۱۲، ص ۳۹۸؛ عمدة القاری: ج ۹، ص ۲۴۱.

^۲ الجامع فی العلل و معرفة الرجال: ج ۳، ص ۳۲.

^۳ وفاء الوفاء بأخبار المصطفی: ج ۴، ص ۱۴۱۴.

^۴ کنزالمطالب، حمزوی: ص ۲۱۹. این فتوا را شراملسی از شیخ ابی ضیاء در حاشیه مواهب الدنیه نقل کرده است.

^۵ اسنی المطالب: ج ۱، ص ۳۳۱؛ وفاء الوفاء بأخبار المصطفی: ج ۴، ص ۱۴۰۷.

^۶ الطبقات الکبری: ج ۳، ص ۴۳۱؛ سیر اعلام النبلاء: ج ۱، ص ۲۸۹.

^۷ حلیة الاولیاء: ج ۲، ص ۲۵۸.

^۸ طبقات الحنابلة ابویعلی: ج ۲، ص ۲۵۱، گفتنی است که امروز اثری از قبر او در بغداد نیست!

سبکی درباره وفات بخاری و دفن وی چنین می‌نویسد: آن‌گاه که بخاری به خاک سپرده شد مردم از خاک قبر او بر می‌داشتند تا این که خود قبر مشخص شد و ممکن نبود از قبر هم محافظت شود. از این رو بر روی قبر چهارچوبی قرار داده شد که این چهارچوب به صورت مستطیل یا مربع، دارای روزنه‌هایی بود و دیگر کسی نتوانست به قبر دسترسی پیدا کند.^۱

از طرف دیگر پیروان ابن تیمیه به جنازه او و به آب غسل وی تبرک می‌جستند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا پیروان ابن تیمیه مشرک و اهل بدعت بودند؟

آیا فتوای او شامل پیروانش نمی‌شد؟

آیا جواز تبرک و لمس، امر عقلایی و راسخ در بیان مسلمانان نبود و فتوا دادن به حرمت چنین اعمالی بر خلاف نظر عقلا و سخنی غیرمشروع نیست؟

آری، در تشییع جنازه ابن تیمیه انبوهی از مردم شرکت کردند، آنان برای تبرک، دستمال و عمامه‌های خود را روی جنازه می‌انداختند و چوب نعش او را شکستند و برای تبرک به همراه بردند. . . . آنان باقی مانده سدر او را خریدند و بین خود تقسیم کردند!

نقل شده است: ریسمانی را که آغشته به جیوه بود و ابن تیمیه برای دفع شپش همیشه آن را به همراه داشت به ۱۵۰ درهم خریده شد.^۲

با نگاه به دیدگاه ابن تیمیه و وهابی‌ها، همه این کارها از مظاهر شرک است، بنابراین هواداران و تشییع‌کنندگان او مشرک بودند.

از موارد دیگر تبرک، تبرک جستن به یحیی بن مجاهد (م ۳۶۶ هـ) است. ابن بشکوال می‌گوید: وی زاهد عصر و عابد شهر خود بود و مردم به وی تبرک می‌جستند و به دعایش پناه می‌بردند.^۳

تبرک جستن به آثار پیامبر اکرم (ص)

از موارد دیگر تبرک، تبرک جستن به آثار و اشیای مانده از پیامبر خدا (ص) است. منبر پیامبر (ص) نزد مسلمانان دارای احترام و جایگاه ارزشمندی است؛ به گونه‌ای که برخی از فقها قسم خوردن نزد منبر را به خاطر احترام به منبر منع کرده‌اند و همیشه بر آن منبر تبرک می‌جستند.

در کتاب «آثار النبویه» آمده است: منبر پیامبر (ص) در جای خودش بود تا این که آتش گرفت و به همین جهت ضربه‌ای دردناک به اهل مدینه وارد آمد؛ در این آتش‌سوزی دسته منبر که پیامبر دست مبارک خود را بر آن می‌گذاشت و نیز جای پای شریف آن حضرت از بین رفت.^۴

^۱ طبقات الشافعیة الکبری: ج ۲، ص ۲۳۳؛ سیر اعلام النبلاء: ج ۱۲، ص ۶۷.

^۲ البدایة و النهایة: ج ۱۴، ص ۱۳۶؛ الکنی و الألقاب: ج ۱، ص ۲۳۷.

^۳ سیر اعلام النبلاء: ج ۱۶، ص ۲۴۵.

^۴ الآثار النبویه: ص ۳۱.

سمهوی می‌گوید: بر منبر پیامبر(ص) پوششی همانند غلاف قرار دادند که در آن طاقی قرار داشت و کنار روضه آن حضرت بود. مردم از داخل آن طاق دستان خود را بر روی منبر می‌گذاشتند و آن را لمس می‌کردند و به آن تبرک می‌جستند.^۱

بنا بر این روایات، فقیهان به جواز تبرک و دست زدن به منبر پیامبر فتوا می‌دادند. از استاد مالک؛ یعنی یحیی بن سعید انصاری و مالک، ابن عمر و ابن مسیب نقل شده است که آنان ساییدن دست به دسته منبر پیامبر را جایز می‌دانستند.

این جواز از اهل بیت (علیهم السلام) نیز نقل شده است. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید:

و إذا فرغت من الدعاء عند قبر النبي (ص) فأت المنبر فامسحه بیدک و خذ برمانتیه، و هما السفلان، و امسح عینیک و وجهک به، فإنه يقال: إنه شفاء للعین؛

آن‌گاه که از دعا در نزد قبر پیامبر(ص) فارغ شدی، نزد منبر بیا و آن را با دست خود لمس کن و دو دسته آن را که در دو طرف منبر قرار دارند در دست بگیر و چشم و صورتت را به آن بسای؛ چرا که این کار موجب شفای چشم است.^۲

غزالی نیز در این باره اظهار نظر کرده است. وی می‌گوید:

هر کس که در زمان حیات پیامبر(ص) با مشاهده آن حضرت تبرک می‌جست، بعد از وفات آن حضرت می‌تواند با زیارت آن بزرگوار تبرک بجوید و برای همین امر، انسان می‌تواند برای زیارت پیامبر(ص) بار سفر ببندد.^۳

تبرک به سکه‌ها و طلاهایی که پیامبر(ص) آن‌ها را لمس کرده‌اند

بنابر روایاتی که نقل شده اصحاب و... به سکه‌ها و طلاهایی که پیامبر خدا(ص) آن‌ها را لمس کرده بودند، تبرک می‌جستند.

جابر بن عبدالله انصاری گوید: در سفری که همراه پیامبر خدا(ص) بودم، شتر من بیمار شد و از قافله عقب ماند، پیامبر اکرم(ص) از من پرسید: جابر! چه شده است؟

عرض کردم: شترم بیمار است. آن حضرت به شتر من دست کشید، شتر چنان رهوار شد که پیشاپیش کاروان حرکت می‌کردم، سپس حضرتش پیشنهاد خرید آن را داد.

من گفتم: تقدیم شما.

حضرت نپذیرفت.

آن‌گاه جابر می‌گوید: در مدینه با همان شتر نزد پیامبر رفتم، به بلال فرمودند: پول شتر را به او بده و مقداری هم زیادت.

جابر می‌گوید: گفتم: این پول اضافی را هیچ‌وقت از خود جدا نمی‌کنم تا بمیرم.

^۱ وفاء الوفاء بأخبار المصطفى: ج ۲، ص ۳۹.

^۲ وسائل الشیعه: ج ۱، ص ۲۷۰، باب ۷.

^۳ احیاء العلوم: ج ۱، ص ۲۵۸.

آن پول را در کیسه‌ای قرار دادم و همیشه نزدم بود تا این که مردم شام در روز حرّه^۱ آن پول را از من گرفتند.^۲ در روایت دیگری انس بن مالک می‌گوید :

روزی سلمانی سر مبارک پیامبر خدا(ص) را می‌تراشید و اصحاب اطراف او را گرفته بودند و هر تار مویی از آن حضرت در دست یکی از یارانش بود.^۳

در روایتی نقل شده که احمد بن حنبل همواره تار مویی را به همراهش داشت و مدّعی بود که از پیامبر است.^۴ از طرف دیگر ، نقل شده که معاویه در حال مرگ سفارش کرد که در پیراهن پیامبر و ردا و موی آن حضرت دفن شود.^۵

البته گر چه این وصیت از روی تظاهر و ریا و یا اصل چنین وصیتی دروغ بوده ؛ چرا که راوی آن عبدالاعلی بن میمون است و او مجهول بوده و نامی از او در کتاب‌های رجال معتبر نیامده است ، اما به هر حال تبرک امری است که در بین مسلمانان رایج بوده است.

گفتنی است که در تاریخ آمده است : اصحاب برای استشفاء از قطرات آب وضوی پیامبر(ص) با هم دیگر نزاع می‌کردند.^۶

عایشه می‌گوید : کودکان را نزد پیامبر(ص) می‌آوردند و حضرتش آن‌ها را متبرک می‌کرد.^۷

ابن منکدر از تابعین بود ، همیشه به صحن مسجد می‌آمد و بدن خود را به آن‌جا می‌سایید و دراز می‌کشید . چون علت این کار را از او پرسیدند ، گفت : دیدم که پیامبر(ص) در این مکان بوده است.

البته از آنجایی که او از تابعین بود و پیامبر را درک نکرده بود ، وقتی می‌گوید : «دیدم» یعنی در خواب دیده است.^۸ در روایتی آمده است : زنی به نام کبشه می‌گوید : روزی پیامبر(ص) نزد ما آمد و از دهان مشکی که آویزان بود ، آب نوشید . من برخاستم و دهانه مشک را قطع کردم و آن را نگهداری نمودم.

ابن ماجه در ادامه این روایت می‌گوید : سزاوار است از جایی که پیامبر(ص) دهان مبارکش را بر آن گذاشته تبرک جسته شود ، ترمذی این روایت را نقل کرده و آن را معتبر و صحیح دانسته و می‌گوید : این روایت را احمد بن حنبل از انس از امّ سلیم نقل می‌کند.^۹

تبرک به اشیای ارزشمند

^۱ در آن روز سپاه یزید به شهر مدینه حمله کردند و وحشیانه دست به نسل کشی زده و اموال مردم را به تاراج بردند.

^۲ مسند احمد : ج ۳ ، ص ۳۱۴ ، حدیث ۱۴۴۱۶ ؛ صحیح بخاری : ج ۲ ، ص ۸۱۰ ، حدیث ۲۱۸۵.

^۳ جامع‌الأصول : ج ۴ ص ۱۰۲.

^۴ سیر اعلام النبلاء : ج ۱۱ ، ص ۲۵۶ و ۲۳۰.

^۵ تهذیب الکمال : ج ۱۸ ، ص ۵۴۶.

^۶ تاریخ بخاری : ج ۳ ، ص ۳۵ ، حدیث ۱۸۷ ؛ تاریخ طبری : ج ۳ ، ص ۴۷۵.

^۷ مسند احمد : ج ۶ ، ص ۲۱۲ ، حدیث ۲۵۸۱۲ ؛ صحیح مسلم : ج ۱ ، ص ۲۳۷ ، حدیث ۲۸۶.

^۸ وفاء الوفاء بأخبار المصطفی : ج ۴ ، ص ۱۴۰۶ ؛ سیر اعلام النبلاء : ج ۵ ، ص ۳۵۹.

^۹ الجامع الصحیح ترمذی : ج ۴ ، ص ۳۰۶ ؛ سنن ابن ماجه : ج ۲ ، ص ۱۱۳۲ ؛ مسند احمد : ج ۳ ، ص ۱۱۹.

مسلمانان به اشیای با ارزش نیز تبرک می‌جستند. سبکی می‌گوید: در سال ۶۴۲ هجری پدرم در دارالحدیث اشرفیه ساکن شد. وی همیشه شب‌ها، به ایوان آن می‌رفت و روی آن اثر شریف (فرش) عبادت می‌کرد و صورت خود را بر روی آن می‌سایید. این فرش به زمان اشرف (واقف آن) بر می‌گردد و نووی در هنگام درس روی آن می‌نشست.^۱

امام محمد غزالی در بحث زیارت نبی اکرم(ص) و آداب آن می‌نویسد:

زائر به چاه اریس آید؛ چرا که گفته شده پیامبر(ص) آب دهان مبارک خود را در آن چاه انداخت. آن چاه کنار مسجد است و پیامبر(ص) از آب آن چاه وضو گرفت و از آن نوشید.

البته در مدینه سی مکان به عنوان مشاهد و مساجد معروف است و مردم شهر از آن‌ها آگاه هستند و زائر به اندازه توان خود به آن جا برود و نیز برای طلب شفا و تبرک به پیامبر(ص) به نزد آن چاه برود که آن حضرت از آن وضو گرفت و نوشید و از آب آن غسل نمود.^۲

فرزند احمد بن حنبل پیراهنی از پدر خود به یادگار داشت که می‌گفت: در آن نماز می‌خوانم و به آن تبرک می‌جویم.^۳

با عنایت به آن چه درباره تبرک و سیره مسلمانان در قرون و اعصار مختلف بیان شد به راستی آیا مخالفت با این نمونه‌ها، خبر از انحراف وهابی‌ها از اسلام و توحید نمی‌دهد؟

محمد بن اسماعیل بخاری در سال ۲۵۶ هجری درگذشت، مردم سمرقند به خاک قبر وی تبرک جستند، و او را تشییع و دفن نمودند، آیا آنان کافر بودند؟

شما با چه جرأتی بر مسلمانان هجوم می‌آورید و چنین نسبت‌های ناروایی به آنان می‌دهید؟

پس تقوا و عفت کلام شما کجاست؟

کجای این افکار و فتاوی‌ها و وهابی‌ها جزء اسلام و سنت نبوی است؟

ما در موضوع تبرک به همین مقدار از نصوص تاریخی بسنده می‌نماییم؛ نصوصی که رایج بودن تبرک به قبور مسلمانان را در بین آنان بیان می‌دارند و نشان‌گر مرسوم بودن این عمل در میان امت اسلامی از زمان پیامبر خدا(ص) تا به امروز است و هیچ فقیهی نه تنها چنین اعمالی را تحریم نکرده؛ بلکه به جواز، رجحان و استحباب آن نیز تصریح شده است. ما این بحث را با کلامی از ذهبی به پایان می‌بریم. ذهبی می‌نویسد:

عبدالله بن احمد می‌گوید: پدرم احمد بن حنبل را دیدم که مویی از پیامبر(ص) را گرفته بود و آن را روی لباسش می‌گذاشت و می‌بوسید، به گمانم آن مو را بر روی چشمانش می‌گذاشت. هم‌چنین آن را در آب فرو می‌برد و از آن آب برای شفا می‌نوشید. روزی دیدم که کاسه (ظرف) پیامبر(ص) را در مخزن آب می‌شست و بعد از آن می‌نوشید.

^۱ طبقات الشافعية الكبرى: ج ۸، ص ۳۹۶.

^۲ احیاء العلوم: ج ۱، ص ۲۶۰.

^۳ سیر اعلام النبلاء: ج ۱۱، ص ۲۳۰.

ذهبی می‌افزاید : کجاست آن انسان لجبازی که کار احمد را انکار کند؟ در حالی که چنین امری ثابت است. عبدالله از پدرش درباره کسی که دستۀ منبر پیامبر و حجره نبوی را لمس می‌کرد ، پرسید. وی گفت : اشکالی در این عمل نمی‌بینم. از این افکار انحرافی خوارج و اهل بدعت به خدا پناه می‌بریم.^۱

^۱ سیر اعلام النبلاء : ج ۱۱ ، ص ۲۱۲.

چکیده :

۱. با مراجعه به آرای فقهای اهل سنت می‌توان به فتاوی‌های متعددی در جواز تبرک‌جویی به قبور بزرگان دست یافت.
۲. سیره صحابه و تابعین بر تبرک‌جستن به قبر پیامبر و قبور بزرگان بوده است.
۳. در کتب تاریخی نمونه‌های متعددی از استشفاء و تبرک‌جویی صحابه و بزرگان از خاک قبر پیامبر موجود می‌باشد.
۴. استشفاء و تبرک‌جویی از آثار به جای مانده از پیامبر در سیره مسلمانان متواتر می‌باشد.